

به نام خدا

## سپاسگزاری

برای انجام این پژوهش استادان و دوستان فراوانی هر یک به سهم خود ، نگارنده را یاری داده اند. بی کمک و یاری همه این عزیزان پژوهش کنونی انجام نمی یافت. بنابراین مایلیم از همه آنان سپاسگزاری کنم. نخست بایسته است از حضرت استاد جناب آقای دکتر احسان اشراقی یاد کنم که به عنوان استاد راهنما سهم عمده ای در انجام یافتن این پژوهش داشتند و نگارنده از راهنمایی های سودمند ایشان در کار پژوهش بهره ها برد.

همچنین بایسته است از کمک های استادان محترم خانم دکتر پروین ترکمنی آذر و آقای دکتر شهرام یوسفی فر تشکر فراوان نمایم.

همه آنچه در این پژوهش آمد ثمره یاری ها و راهنمایی های سرورانی است که نامشان آمد ، با این همه مسئولیت لغزش ها و خطاهای آن متوجه نگارنده خواهد بود.

محمد حسین یزدانی راد

شهریور ماه یکهزار و سیصد و

هشتاد و هشت خورشیدی

تقدیم به همسر مهربان و فداکارم

خانم نازی مهرآذین

---

# فہرست

---

|    |                                                                                    |
|----|------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱  | ..... دیباچه                                                                       |
| ۵  | ..... سپاسگزاری                                                                    |
| ۶  | ..... نقد منابع و مآخذ                                                             |
|    | فصل مقدماتی                                                                        |
| ۱۲ | ..... مقدمه ای بر تحولات تصوف تا ابتدای قرن دهم هجری                               |
|    | فصل یکم                                                                            |
|    | دوره تأسیس و اوج قدرت نهاد طریقتی صفوی                                             |
| ۲۶ | ..... زمینه                                                                        |
| ۲۷ | ..... محدوده سالشماری                                                              |
| ۲۹ | ..... محدوده قلمرو پژوهش                                                           |
| ۳۰ | ..... نقش صوفیان در به قدرت رسیدن صفویان                                           |
| ۳۲ | ..... گردهمایی دستجات مختلف ترکان آناطولی در ارزنجان و اهمیت آن در تشکیل دولت صفوی |
| ۳۳ | ..... برآمدن صفویان                                                                |
| ۳۷ | ..... جایگاه سیاسی و اجتماعی صوفیان قزلباش در دوره تأسیس                           |
| ۴۵ | ..... روابط صوفیان قزلباش با دیوانیان                                              |
| ۴۸ | ..... روابط صوفیان قزلباش با روحانیون                                              |
|    | فصل دوم                                                                            |
|    | دوران گذار (توسعه نهاد مذهبی تشیع و نوسان قدرت نهاد طریقتی صفویه)                  |
| ۵۳ | ..... زمینه                                                                        |
| ۵۵ | ..... وضعیت سیاسی اجتماعی صوفیان قزلباش در دوره شاه طهماسب اول                     |
| ۶۲ | ..... سیاست مذهبی شاه طهماسب اول                                                   |
| ۶۲ | ..... الف : شخصیت مذهبی شاه طهماسب قبل از پادشاهی                                  |
| ۶۳ | ..... ب: سیاست مذهبی طهماسب در دوران پادشاهی اش (۹۳۹-۹۳۰ هـ.ق)                     |
| ۶۴ | ..... ج : سیاست مذهبی شاه طهماسب از سال (۹۸۴-۹۳۹ هـ.ق)                             |
| ۶۷ | ..... مهاجرت علمای شیعه به ایران                                                   |

|    |                                                                          |
|----|--------------------------------------------------------------------------|
| ۷۱ | ..... ترغیب و تشویق مردم به احترام سادات و زیارت قبور سادات و امامزادگان |
| ۷۳ | ..... بخشودگی مالیات شهرهای پیشگام در تشیع                               |
| ۷۴ | ..... نتایج سیاست های مذهبی شاه طهماسب اول                               |
| ۷۵ | ..... بیماری شاه طهماسب اول و نزاع جانشینی                               |
| ۷۹ | ..... قتل عام صوفیان                                                     |
| ۸۰ | ..... انتخاب محمد میرزا به پادشاهی                                       |
| ۸۲ | ..... شدت یافتن اختلاف بین طایفه های قزلباش                              |
| ۸۴ | ..... اوج قدرت قزلباشان                                                  |

## فصل سوم

### شکوفایی و برقراری موازنه قدرت (انحطاط تدریجی نهاد طریقتی صفویه)

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۸۶  | ..... زمینه                                      |
| ۸۷  | ..... به قدرت رسیدن شاه عباس اول                 |
| ۹۰  | ..... گسترش خاصه سازی در سیاست اصلاحات           |
| ۹۲  | ..... نقش روحانیون در تضعیف موقعیت صوفیان قزلباش |
| ۹۹  | ..... نقطه پایان در عهد شاه عباس اول             |
| ۱۰۳ | ..... مراسم و تشکیلات صوفیان قزلباش              |
| ۱۰۵ | ..... وضعیت عمومی تصوف در دوره صفویه             |
| ۱۱۳ | ..... نتیجه                                      |
| ۱۱۷ | ..... کتابشناسی                                  |

چکیده:

گرایشهای صوفیانه در تاریخ دینی ایران پس از اسلام همواره وجود داشته است. اما ماهیت و نسبت این گرایشها با ساختار سیاسی و دینی با آنچه در دوره صفویان روی داد متفاوت بود.

این بررسی در پی آنست تا روشن سازد که در سال های فرمانروایی صفویان ساختار سیاسی چگونگی بود و چه پیوندی با نهاد طریقتی صفویه داشت؟ رابطه این نهاد با ساختار دینی چگونه بود؟ رابطه نهاد طریقتی صفویه با گروه های دیوانسالاری چگونه بود؟ و سایر گروههای طریقتی این عصر کدامند و چه نقشی در تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره بر عهده داشتند؟

اگر بخواهیم تحولات نهاد طریقتی صفویه را در بستر تاریخ سیاسی صفویان بررسی کنیم این نهاد سه دوره مشخص را از ابتدای حکومت صفویه تا مرگ شاه عباس کبیر طی کرده است: دوره تأسیس اوج قدرت نهاد طریقتی صفویه، دوران گذار (نوسان قدرت) دوران شکوفایی و برقراری موازنه قدرت (انحطاط تدریجی و کاهش قدرت).

انحطاط تصوف صفوی و دگرگونی خط سیر تحول آن تحت تأثیر چند عامل پر اهمیت اتفاق افتاد. از سویی ساختار سیاسی دیگر رفتارهای صوفیانه از نوع قزلباشی گری را در شهریاری خویش ناکارآمد و مزاحم تلقی می کرد و از سویی دیگر به دلایل گسترش و پخش اندیشه های شیعه گری و قدرت یافتن حاملان تعالیم شیعه یا علمای متشرع این مذهب یک مانع عمده در راه حکومت صوفیانه ایجاد شد. در کنار این عوامل تضاد درونی گروه های قزلباشی که ریشه قومی و قبیله ای داشت نیز در این فرایند نقش موثری ایفا کرد.

علیرغم فشارهای ساختار سیاسی با همراهی ساختار دینی بر صوفیان در این دوره تصوف به چند صورت ادامه حیات داد: در عنوان سلاطین صفوی، درویشان بی طریقت با ارتباط یا بی ارتباط با مراکز سلسله های تصوف، حکیمان صفوی.

کلید واژه:

صوفیان، تصوف، قزلباشان، روحانیون، دیوانیان، درویشان.

---

دیاچہ

---



## دیباچه

گرایشهای صوفیانه در تاریخ دینی ایران پس از اسلام همواره وجود داشته است. اما ماهیت و نسبت این گرایشها با ساختار سیاسی و دینی با آنچه در دوره صفویان روی داد، متفاوت بود.

از لحاظ ماهیت، تصوف صفویان با توجه به مورثی بودن مقام ارشاد در آن دودمان صورتی نو و غیر قابل مقایسه با طریق تصوف پیش از سده هشتم و نهم دارد. این شکل جدید تصوف از ویژگی های قرن نهم و عصریست که داعیه داران ارشاد به شدت متوجه مسائل سیاسی و آرزومند دستیابی به قدرت دنیای هستند و سنت موروثی بودن قدرت سیاسی به زمینه قدرت معنوی آنان منتقل می شود. شیوخ اخیر این طریقت و اسماعیل و سلاطین دیگر صفوی پس از او به رغم برخورد بستن عنوان صوفی دارای هیچ وجه مشترکی با مراحل تربیت و سلوک مشایخ گذشته و از جمله نیای خود شیخ صفی نبودند. به همین علت نیز هست که اگر در زمان شیخ صفی و جانشینان اولیه او شعاع مریدیابی طریقت اردبیل وسعت گرفت، در زمان شیوخ اخیر (جنید، حیدر و اسماعیل) و سلاطین صفوی گسترش بیشتری در این زمینه حاصل نشد و آنچه صورت گرفت کاملاً جنبه نظامی و سیاسی داشت. وانگهی به علت عجز شدن تصوف صفویان با فعالیت نظامی و هدفهای سیاسی و دنیایی، در قلمرو دوره اقتدار آنان، به جز گروه قزلباشان کسی به عنوان مرید طریقت خانقاه اردبیل شناخته نمی شد نتیجه این روند آن بود که تصوف صفوی زمان به زمان عامیانه تر شد، با حرکتهای نظامی - سیاسی آشکار شیخ جنید و بازماندگانش و در دوره سلطنت، این عوام زدگی با قزلباش زدگی درآمیخت و از طریقت شیخ صفی جز ابزاری در دست عده ای سیاستمدار و اکثراً بازیچه سیاست که حتی از کاربرد سیاسی و نظامی طریقتشان ناآگاه و ناتوان بودند نماند به تعبیر درست تر صفویان، هر چه بیشتر قدرت سیاسی گرفتند و زمان بر آن آنان گذشت، تصوفشان از محتوای معنوی و نفوذ اجتماعی تهی تر و خالی تر شد.

در ادوار پیش از صفویان بین ساختار سیاسی و گرایش صوفیانه در بیشتر موارد، نوعی پیوند و رابطه کارکردی و گاه اعتقادی برقرار می شد. فرمانروا احتمالاً به دلایل مختلف به تصوف روی خوش نشان می داد یا از نفوذ سیاسی و اجتماعی و معنوی رهبران خانقاهها برای دستیابی به اهداف خاص بهره می برد. در دوره صفویان این روند کاملاً متفاوت بود. صفویان پیش از روی کار آمدن خود رهبران طریقتی صوفیانه بودند و به احتمال فراوان بخش قابل توجه از نیروی اقتصادی و معنوی و سیاسی خویش را مدیون همین خاستگاه بودند. هنگامیکه آنان از صورت «مراد» و «مرشد» صوفیان به شهیارانی تبدیل شدند که قلمروی گسترده را در اختیار داشتند خود به

خود تجدید نظری در ماهیت صوفیانه خویش به عمل آوردند. این تجدید نظر به شکل حذف تدریجی صوفیان غازی از بدنه قدرت صورت گرفت که بنا بر آن موقعیت سیاسی و نظامی این گروه به نحو چشمگیری دستخوش تغییر شد. این امر تأثیری شگرف بر ماهیت رفتار صوفیانه پادشاهان صفوی و قزلباشان تحت امر آنان گذاشت که در عین حال فضای سیاسی حکومت آنان را تا اندازه زیادی نابسامان می کرد این رویداد تحت تأثیر چند عامل پر اهمیت اتفاق افتاد. از سویی ساختار سیاسی دیگر رفتارهای صوفیانه از نوع قزلباشی گری را در شهریاران خویش ناکارآمد و مزاحم تلقی می کرد و از سویی دیگر به دلایل گسترش و پخش اندیشه های شیعه گری و قدرت یافتن حاملان تعالیم شیعه یا علمای متشرع این مذهب یک مانع عمده در راه حکومت صوفیانه ایجاد شد. بدینی ریشه دار متشرعان شیعی به متصوفه به خصوص بخش قزلباشی آن اگر چه در آغاز کار صفویه به اقتضای شرایط و احوال و تقویت و ترویج تشیع تیرایی مخصوصاً به وسیله صوفیان قزلباش مدتی مسکوت ماند، اما تدریجاً ضرورت بیان و نشر تعالیم اصولی و فروعی شیعه و دفاع کلامی و تاریخی از آن در برابر منکران به وسیله عالمان شیعی موجب قدرت یافتن فقهای این مذهب و از زمان شاه طهماسب غلبه آنان بر امور شد. باورهای غالبانه صوفیان قزلباش نمی توانست مورد تأیید این فقها و متشرعان قرار گیرد به همین خاطر زبان به تکفیر و تفسیق این گروه گشودند و به مبارزه با آنان پرداختند و سرانجام با اقدام شاه عباس کبیر در کاهش قدرت نظامی - سیاسی سران قزلباش و سرکوب عده ای از آنان تصوف صفوی در وجود این گروه مانده توان و حیثیت خود را هم به مقدار قابل ملاحظه ای از دست داد تا جایی که سرانجام با سقوط خیمه شاهی صوفیان طریقت صفوی هم به تاریخ پیوست.

اگر بستر سالشماری تاریخ سیاسی صوفیان در پیوند با تحولات نهاد طریقتی قزلباشی در نظر گرفته شود ، سه دوره مشخص را در این دوره (شاه اسماعیل یکم تا شاه عباس یکم) می توان تشخیص داد.

دوره تأسیس (اوج قدرت نهاد طریقتی صفوی)

دوران گذار ( توسعه نهاد مذهبی تشیع و نوسان قدرت نهاد طریقتی صفوی)

شکوفایی و برقراری موازنه قدرت ( انحطاط تدریجی و کاهش قدرت نهاد طریقتی صفوی)

منظور از این دوره بندی ، تسهیل تقسیم بندی بررسی حاضر و در عین حال برجسته کردن سرفصل های اساسی و یا خطوط متمایز این پژوهش است. عناوینی که برای این دوره بندی به کار گرفته شده ، کمی دل بخوانانه به

نظر می آید اما مبتنی بر نوعی دریافت و استنباط از روند تحولات سیاسی صفویان هستند همین جا ذکر این نکته ضروریست که گرچه در دوره بندی رایج معمولاً عصر فرمانروایی شاه عباس یکم را به عنوان عصر شکوفایی ساختار سیاسی صفویان مطرح می کنند ، اما همین شکوفایی در دوره بندی مرتبط با تحولات نهاد طریقتی قزلباشی دوره افول و فروپاشی محسوب می شود.

این بررسی در پی آن است تا روشن سازد که در سال های فرمانروایی صفویان ساختار سیاسی چگونه بود و چه پیوند با نهاد طریقتی قزلباشان داشت؟ رابطه نهاد طریقتی قزلباشی با ساختار دینی چگونه بود؟ رابطه این نهاد با دیوانیان و گروه های دیوانسالاری به چه صورت بود؟ سایر گروه های طریقتی این عصر کدامند و چه نقشی در تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره بر عهده داشتند؟

این بررسی بر اساس مبانی نظری ارائه شده و پرسش های مطرح شده، می کوشد با شیوه تجزیه و تحلیلی تا اندازه ای در جهت ارائه پاسخ هایی در خور برای آن پرسش ها منابع و متون این دوران را مورد بازبینی و پژوهش قرار دهد. برای انجام این پژوهش یک ساختار کلی پژوهش ارائه شده است که در چند فصل ، ویژگی های و ساختار هر یک از موضوعات مورد بررسی را مطرح می کند. نخستین فصل این بررسی ، فصل آغازین یا مقدماتی است. در فصل مقدماتی به عنوان یک مدخل مناسب برای ورود به عرصه پژوهش در نهاد طریقتی قزلباشان در سالهای فرمانروایی اسماعیل یکم تا عباس یکم یک بررسی گذاری کتابشناسی ارائه خواهد شد. مقدمه ای بر روند تحولات تصوف و شکل گیری طریقت صفوی در بستر این تحولات موضوع بررسی فصل مقدماتی این پژوهش است.. ساختار سیاسی و اجتماعی دولت صفوی و روند تحولات منجر به قدرت گیری این سلسله و نقش صوفیان غازی در این فرایند موضوع بررسی فصل یکم این پژوهش می باشد. رابطه صوفیان غازی با ساختار دینی و دیوانیان از دیگر موضوعات این فصل می باشد. در فصل دوم این پژوهش تضاد درونی قزلباشان در دهه اول پادشاهی طهماسب مورد بررسی قرار می گیرد و در ادامه این فصل سیاست های مذهبی طهماسب یکم و نقش آن در کاهش اقتدار صوفیان قزلباش مورد بررسی قرار می گیرد. نزاع جانشینی پس از مرگ طهماسب و نقش صوفیان غازی در این فرایند سیاست اسماعیل دوم در مورد صوفیان قزلباش و اوج گیری قدرت آنها در دوره محمد خدابنده از دیگر موضوعات مورد بررسی در این فصل می باشد.

در تحولات منجر به فروپاشی قدرت سیاسی صوفیان قزلباش در عصر صفوی، اصلاحات اقتصادی و نظامی شاه عباس از اهمیتی به سزا برخوردار می باشد. چگونگی انجام این اصلاحات و نقش آنها در کاهش قدرت صوفیان

غازی در فصل سوم مورد بررسی قرار می گیرد. قیام تقطویان، وضعیت عمومی تصوف و شکل گیری تصوف حکیمانه و رویکرد حکیمان روحانی به تصوف از دیگر موضوعات این فصل می باشد و با ارائه یک نتیجه گیری این پژوهش پایان خواهد یافت.

## نقد و بررسی منابع و مآخذ

معرفی و نقد منابع و مآخذ مورد استفاده در هر تحقیق می تواند کیفیت، کمیت، نارسایی و نقاط ضعف و قوت منابع و مآخذ مورد استفاده را مشخص سازد در واقع جمع آوری، انتخاب و شیوه منطقی استفاده از منابع نشان دهنده جریان کلی تحقیق است.

هنگامی که از پژوهش و تحقیق در زمینه تاریخ صوفیان صحبت می شود به نظر می رسد پژوهشگر بتواند به دلیل تنوع و گستردگی منابع و متون این عصر تحقیقی پربار و بدیع ارائه دهد این موضوع احتمالاً ریشه در ماهیت منابع پژوهشی تاریخ ایران به روزگار فرمانروایی صوفیان دارد. برخلاف ادوار پیش از صفویه پژوهشگران تاریخ ایران عصر صفوی این بخت را دارند که شمار فراوان از انواع منابع پژوهشی بر جای مانده از این دوران هم اینک موجود است البته این سخن بدین معنا نیست که همه این منابع در دسترس نیز هستند این منابع، مجموعه ی غنی از وقایع نگاری های رسمی، شرح حال نگاری های متعدد، خاطرات و سفرنامه های ایرانیان و غیر ایرانیان به ویژه مسافران و جهانگردان و مأموران اروپایی و آثار علمی اعضای ساختار دینی ایران و اسناد و مدارک موجود در گنجینه های خطی ایران و کتابخانه های بزرگ جهان را در بر می گیرد شمار این منابع و تنوع آگاهی ها و گزارش های آنها به حدیست که گاه پژوهشگر را شگفت زده می کند اما هنگامی که موضوع دسترسی به آنها مطرح می شود دشواری های پژوهشی آشکار می شود.

به هر حال به دلیل گستردگی و تنوع منابع مورد استفاده در این پژوهش آنها به پنج دسته تقسیم شده اند:

- ۱- متون رویدادنگاری ۲- تراجم احوال ۳- نوشته های اداری ۴- تذکره ها ۵- سفرنامه ها.

## الف ( متون رویدادنگاری

از لحاظ مطالعه زمان تأسیس دولت صفوی مهمترین متون رویدادنگاری عبارت است «تاریخ شاه اسماعیل صفوی» که مولف آن نامعلوم است و بخش چهارم مجلد سوم کتاب «حبیب السیر» اثر خواند میر در تاریخ عمومی که این بخش مربوط است به سلطنت شاه اسماعیل صفوی و سلسله ترکمانان آق قویونلو هر دو تألیف بسیار جانبدارانه بوده و مولفان از آن نظر گاه هواخواهان صفویه به اوضاع

نگریسته اند ولی به مناسب داشتن تفصیل اوایل کار و شرح سلطنت شاه اسماعیل و مناسبات صوفیان غازی با دربار صفوی و اعتبار مطالب از بهترین منابع این دوره محسوب می شوند.

برای دوره دوم حیات سیاسی و اجتماعی صوفیان که ما آن را دوره گذار نامگذاری کردیم و شامل پادشاهی طهماسب یکم، اسماعیل دوم و محمد خداپسند لو می باشد احسن التواریخ روملو منبعی منحصر بفرد می باشد. این کتاب به زبانی ساده نوشته شده و وقایع هر سال را به تفصیل شرح داده، در پایان وقایع هر سال اطلاعات مبسوط و پر ارزشی در تذکره حیات رجال سیاسی و فقها و دانشمندان و شاعران که در آن سال وفات کرده اند، آورده است در این اثر، اطلاعات فراوان درباره حیات سیاسی صوفیان قزلباش و تضاد درونی آنها و اختلافات قبیله ای و طایفه ای آنها و مناسبات آنها با سایر گروه های سیاسی به چشم می خورد.

برای عصر شاه عباس کبیر که به نوعی دوره افول و کاهش قدرت صوفیان قزلباش می باشد بی شک عالم آرای عباسی یگانه منبع منحصر بفردی می باشد که در آن مطالبی مشتمل بر شرح حال مختصر امرای بزرگ یعنی رهبران قبایل ترکمن، مأمورین نظامی، سادات، شیوخ و علما، وزراء مستوفیان و اعضای دیوانسالار، پزشکان، خوشنویسان، هنرمندان و شاعران به چشم می خورد. در مورد سیاست های شاه عباس در راستای کاهش نفوذ سیاسی و اجتماعی صوفیان قزلباش در این اثر ارزشمند مطالب منحصر بفردی به چشم می خورد که در این پژوهش در بخش سوم مورد استفاده واقع گردیده است.

#### ب) تراجم احوال

تراجم احوال، شرح حال نویسی و خاطره نگاری یا گزارش سفر که از جمله قوالب تاریخ نگاری است در دوره صفویه از جمله منابع مورد رجوع پژوهشگر می باشد. منبع مورد رجوع در این زمینه در پژوهش کنونی صفوه الصفا اثر توکلی بن اسماعیل بن حاجی اردبیلی مشهور به «ابن بزار» و سلسله النسب اثر شیخ ابدال زاهدی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی که مرشد شیخ صفی الدین بود می باشد. این دو اثر برای بررسی وضعیت مذهبی و شرح زندگانی خاندان صفویه پرارزش است و تراجم احوال آن، ارزش فراوان دارد و مطالب قدیمی تر، مخصوصاً تاریخ ها را تکمیل می کند. این کتاب گلچین اشعار



تذکره تحفه سامی امکان مطالعه اوضاع اجتماعی آغاز دوران صفویه را به ما می دهد و از این لحاظ اثری بسیار گرانبه است. این تذکره نمایشگر اوضاع واقع و حقیقی و اجتماعی مردم ایران در دوران سلطنت شاه طهماسب است و گذشته از ارزش ادبی آن درباره شرح حال و احوال شاعران ، می توان از آن برای تحقیق و تتبع از نظر جامعه شناسی در دوران صفوی بهره ها گرفت.

از دیگر نمونه این آثار «تذکره محمد طاهر نصر آبادی» قابل ذکر می باشد که در نیمه دوم قرن یازدهم هجری قمری/هفدهم م. به نام صفی میرزا معروف به شاه سلیمان صفوی فرزند شاه عباس دوم تألیف شده و علاوه بر احیای نام هزار شاعر عصر صفوی، اخلاق و احوال آن دوره و بسیاری از مطالب مهم تاریخی را هم نشان می هد و برای ادبا و مورخان و کسانی که می خواهند به حقایق تاریخی عصر صفوی پی ببرند بی نهایت مفید و مددکار است. تذکره نصر آبادی ، شامل یک مقدمه در ذکر اشعار پادشاه و پادشاه زادگان، پنج صف و یک خاتمه است .

صف اول : در ذکر امرا و خوانین و سایر ملازمان پادشاه که خود مشتمل بر سه فرقه است.

فرقه اول : در ذکر مقربان و امراء ایران فرقه دوم : در ذکر امراء و خوانین هندوستان. فرقه سوم : در ذکر وزرا و مستوفیان و کتاب دفترخانه همایون اعلی.

صف دوم : در ذکر سادات و نجبا و سایر جماعات

صف سوم : در ذکر علما و فضلا که مشتمل بر سه فرقه است. فرقه اول : در ذکر علما و فضلا، فرقه دوم : در ذکر خوشنویسان و فرقه سوم در ذکر فقرا و درویشان.

صف چهارم: در ذکر شعرا مشتمل بر سه فرقه : فرقه اول شعرای عراق و خراسان . فرقه دوم : شعرای ماوراءالنهر فرقه سوم : در ذکر شعرای هندوستان.

صف پنجم: در ذکر احوال مولف و شرح حال شخصی وی می باشد.

بدیهی است که صف سوم این مجموعه به خصوص ذکر فقراء و درویشان آن در پژوهش های مربوط به تصوف اهمیت بیشتری می یابد.



## هـ) سفرنامه ها

وقایع سیاسی و اجتماعی روزگار صفویان ، به ویژه سال های مرتبط با این پژوهش از چشم ناظران خارج دورنمانده است. در این میان چند تن از اروپائیان با نوشتن سفرنامه های دوران اقامت خویش در ایران ، آگاهی های سودمندی در این باره به جا گذاشته اند. افزون بر دیگر متون سفرنامه ای، برای جلوگیری از اطناب و رعایت ایجاز به معرفی سه نمونه از این متون که برای نگارش این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته می پردازیم.

سفرنامه های بجا مانده از سفرای ونیزی از مدارک مهم تاریخی دوره آق قویونلو تا اوایل صفویه به شمار می رود و یادداشت های آنها که طبع و منتشر شده حاوی اطلاعات سودمندی درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن زمان می باشد مجموعه ای از این سفرنامه ها مشتمل بر شش سفرنامه ( سفرنامه جوزفا باربارو، سفرنامه آمبروزیو کنتارینی، سفرنامه کاترینوزنو، سفرنامه آنجوللو، سفرنامه بازرگان ونیزی در ایران، سفرنامه وینچنتو دالساندری ) توسط چارلزگری به انگلیسی ترجمه و تحشیه با مقدمه او در لندن منتشر شده این مجموعه سفرنامه توسط منوچهر امیری به فارسی ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است.

اطلاعات مندرج در این کتاب جهت بررسی اوضاع و احوال سیاسی اوائل دوره صفویه بخصوص دوران اسماعیل بسیار مفید فایده می باشد.

دیگر اثر قابل ذکر در این حوزه سفرنامه پیترو دلاواله می باشد که در دوران حکومت شاه عباس کبیر به ایران سفر کرده و مدت پنج سال در خدمت شاه ایران بود. پیترو دلاواله در سفرنامه خود به طرز بسیار جالبی جزئیات سفر خود را برای دوستش می نوشته است و در آن ضمن توصیف های ارزنده درباره برخی از شهرهای ایران اطلاعاتی را نیز از حوادث عصر شاه عباس به ویژه درگیری های او با عثمانی ها به دست می دهد. متجاوز از نصف مکاتبات او حاکی از اوضاع و احوال سیاسی ، اجتماعی و اخلاقی ایران آن زمان است و از این لحاظ حاوی مطالب سودمندی در باب تاریخ صفویه می باشد.

ارجدارترین اثری که وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران بویژه در سال های پایانی فرمانروایی صفویان را مورد بررسی قرار داده است ، سفرنامه شاردن است. شاردن در اثر خویش جابجا از مسائل ایران سخن گفته است و اثر او در واقع دایره المعارفی از حقایق مربوط به مسائل تاریخی، نژادی ، اجتماعی ، مذهبی، فکری و فرهنگی ایران و هنر ، ادب ، شعر ، معماری ، آداب ، علوم و فنون از خط گرفته تا نقاشی و تذهیب است. شاردن در جلد هشتم (ترجمه فارسی) با عنوان حکومت، دولت، سازمان سیاسی، نظامی و مدنی ، اطلاعات ارزشمندی را درباره سازمان سیاسی و نظامی ایران در عصر صفویه ارائه می دهد. در بخش نخست این مجلد، به تفصیل عقاید ایرانیان درباره حکومت را شرح داده و شش تذکر را در این زمینه مطرح نموده است. در بخش دوم نوع حکومت را بررسی نموده و بخش سوم به اقتصاد سیاسی (ثروت ملل ) اختصاص دارد. در این بخش به سیاست مملکت و نحوه اداره آن پرداخته و به یک شورای سلطنتی به نام «جانقی» اشاره نموده است. در بخش چهارم به تفصیل درباره قوای مملکت و انضباط نظامی و مناصب نظامی ، عناوین فرماندهان و ترکیب نیروهای نظامی و محافظان صفوی ، شیوه عملیات و جنگیدن آنها و غیره بحث کرده است. بخش پنجم به مشاغل و مناصب و مقامات حکومتی اختصاص دارد و از وزیراعظم ، منصب دیوان بیگی ، امرای لشکری، وقایع نویس، میراب اسم برده است. سپس به شرح مشاغل دربار شاه از جمله مقام ناظر کل ، توشمال باشی، خوانسالار و ... پرداخته است . در بخش ششم مالکیت اراضی و عواید آن مطرح شده است و در بخش هفتم به عایدات شاه از اراضی دولتی و از ایالات خالصه پرداخته و به انواع مالیات و عوایدی که از مردم گرفته می شده اشاره نموده است. منشیان و مهره های سلطنتی ، القاب و عناوین شاه ، جامعه روحانیت و صوفیان در بخشهای نهم و پانزدهم کتاب آمده و درباره هر کدام توضیحات مفصل داده شده است. در مجموع گزارش های شاردن از دقیق ترین و غنی ترین سفرنامه هاست.

---

# فصل مقدماتی

---

**مقدمه ای بر تحولات تصوف**

**تا ابتدای قرن دهم هجری**

## کلیات

جریان فکری و عملی که به نام تصوف در اسلام شناخته شده است شیوه ای یک نواخت و یک پارچه نبوده و در طول قرون به صورت یکسانی بازمانده است. با آنکه در ادوار اخیر محققان کوشیده اند ریشه های تصوف عالم اسلامی را در عقاید و مکاتب غیر اسلامی پیش از اسلام نشان دهند، یا آن را چون واکنشی از سوی اقوام و نژادهای غیر عرب بنمایانند، شاید نظر درست آن باشد که منشاء و ریشه فکری آن را در قسمتی از تعالیم اسلامی و زمینه عینی بروز آن را تحولات سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی بدانیم، با این ملاحظه که تصوف نیز مانند دیگر جریانهای فرهنگی از تأثیر تحولات اجتماعی و روابط جامعه اسلامی با اقوام و فرهنگهای دیگر برکنار نمانده است. این نکته را نیز باید افزود که احیاناً شرایط مشابهی در جامعه های پیش از اسلام و دنیای اسلامی افکار و واکنشهای همانندی را ایجاد کرده است. با توجه به این نکته هاست که در تصوف ادوار بعد از قرن سوم هجری نشانه ها و همانندیهایی با آرا و مکاتب عرفانی و رهبانی و رازوارانه ادوار پیش از اسلام و جوامع خارج از عربستان به چشم می خورد و همین نشانه ها و همانندیهاست که بعضی جستجوگران را به اندیشه یافتن منابع تصوف اسلامی در بیرون از عالم اسلامی واداشته است.<sup>۱</sup>

منابع اسلامی تصوف را در آیات قرآنی مربوط به انذار و تهدید به عذاب اخروی و در سیره و زندگی ساده و زهدآمیز پیامبر اسلام (ص) دانسته اند که برخی از صحابه و تابعین با توجه افراطی به این جنبه ها زندگی را بر خود و خانواده شان سخت می گرفتند و پیامبر اسلام بارها به این گونه مبالغه ها اعتراض کرده است. اتفاقات پس از رحلت پیامبر اسلام، گسترش فتوحات و کسب غنائیم، پیدایش اختلافات مادی فاحش میان مسلمانان، تکیه زدن ستمکاران دنیادوست بر مسند زمامداری اهل اسلام موجب پیدایش عقاید و افکار و برداشتها و تفسیرهای گوناگون و متعارض در میان امت پیامبر و منجر به تفرقه ها و درگیریها شد. در این میان جماعتی از مسلمانان برای حفظ اصالت عقیدتی خود و اجتناب از گرفتاری به عذاب الهی با پایبندی تمام به اصول و احکام شریعت در زهد و ریاضت و توکل و تفویض کوشیدند و خود را از شر و شور محیط بدور داشتند. هنوز از مباحث نظری و عقاید مدون و اصطلاحات ویژه ای به نام تصوف خبری نبود و تصوف جز همان زندگی علمی زهدآمیز نبود. گویا در اواخر قرن دوم هجری بود که اسم «صوفی» پیدا شد و گروهها و افرادی "پشمینه پوش" (صوفی) پدید آمدند و زندگی در دیرها و مغاره ها و سیر و سیاحت را پیش گرفتند. این مردمان با توکل فوق العاده و ریاضت و قناعت

۱- زرین کوب، عبدالحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، صص ۳۸-۹، غنی، قاسم، تاریخ تصوف در اسلام، تهران، زوار، ۱۳۴۰، صص ۱۰-۲.

می زیستند. اندیشه محبت الهی و استغراق در مشاهده امرالهی رفتار و گفتار آنان را پر می کرد. توجه به تفاوت ظاهر و باطن احکام شریعت تدریجاً ظاهر می شد، خدمت به انسانها و به دست آوردن دل آنها و ایثار به خلق در حد عبادت تلقی می شد.

با سده سوم هجری و تحولات عظیم فکری عالم اسلامی، در میان متصوفه نیز افکار تازه و اصلاحات و تعبیرات مخصوص پیدا شد. زهد و ریاضت مقدمه ای برای منظوری والاتر شمرده شد که وصول به حق باشد. باری مفهوم وحدت وجود در این عهد دیده می شود. این گونه افکار و سخنان غریب صوفیان گرچه برای عامه جالب می نمود ولی از نظر حافظان شریعت بدعت آمیز و الحادی تلقی می شد. اتهامات و تعقیب ها و احیاناً اعدام ها آغاز شده متصوفه نیز برای دفاع از خود و تبلیغ عقایدشان به آیات و احادیث و ادله عقلی متوسل شدند و دست به تألیف و تصنیف زدند. در همین عهد است که تصوف به صورت شیوه ای خاص با بینش ها و اصلاحات و تعبیرات ویژه بنیاد یافت و به شکل گروه های حزبی و فرقه ای خاص (طریقت) با روابط مراد و مریدی درآمد و در ادوار بعد با تطور و تحول رسوم و ظواهر پیگیری شد. عده ای از متصوفه محفل های فلسفی برای تصوف دست و پا کردند و گروهی به سازگاری آن با اصول شریعت کوشیدند.

جنبه نظری تصوف بعد عملی آن را تحت الشعاع قرار داد و افکار وحدت و جوی هدف و اتصال به خدا به قسمی مورد توجه قرار گرفت که احیاناً رعایت احکام شریعت را غیر لازم جلوه داد. گروه ها و افرادی که شاید بعضی از آنان از روی تن آسانی و لابلایگری پشت پا به قیود اجتماعی و رسوم شریعت می زدند خود را به نام متصوف نمایاندند. افراط در این شیوه به جایی کشید که جماعتی از بزرگان صوفیه به اعتراض به این شیوه ها برخاستند. صوفیه نه تنها با توجه به باطن احکام و نفی ظاهر، اهل شرع، فقها و متکلمان را علیه خود بر می انگیزتند، بلکه با تکیه بر کشف و شهود به عنوان موثق ترین وسیله شناخت حقیقت و چوبین شمردن پای عقل و استدلال علما و فلاسفه را نیز به مبارزه می خواندند.

علیرغم مخالفت های فقها و متشرعان، افکار صوفیه به دلایل متعدد در میان مردم انتشار می یافت. از جمله این دلایل معروفیت پیشوایان عهد اول صوفیه به زهد و پرهیزگاری و دوری گزیدنشان از دستگاه های حاکمه جابر و بیدادگر بود. باطن گرایی آنان و عدم سخت گیریشان نسبت به ظواهر احکام و استنادشان به دریافت های قلبی انسان، مردم آسان طلب را جلب می کرد. کلام لطیف و پر ذوق آنان نیز وسیله ای برای نفوذ در دلها می شد. به این ترتیب در اوائل قرن پنجم هجری تصوف از جنبه علمی و نظری اصولی نسبتاً ثابت و مدونی پیدا کرده و طریقت هایی چند (دوازده به گفته هجویری) از متصوفه معروف شده بود.

با استیلای سلجوقیان بر ممالک شرقی قلمرو خلافت بازار تعصب و ظاهر بینی رواج گرفت و روح تحقیق در حقایق اشیا جای خود را به کوشش در اثبات عقاید گروهی داد. متصوفه این عهد هم از این تأثیر بر کنار نماندند،